

Analyzing the Uṣūlī Published Works about Imām Khumaynī on Authenticity of the Custom of Rational Persons¹

Amin Azimi 


Fourth-Level Student at Qom Seminary ; Qom-Iran. (Corresponding Author);
azimi.a.14@gmail.com;

Sohrab Moqaddami-Shahidani

Graduated Student of Level Four of Qom Seminary; Qom-Iran;
iranemoaser@gmail.com

Abstract

7 Undoubtedly, Imām Khumaynī (RA) has been a pioneer in using the Custom of Rational Persons (*Sīrat al-‘Uqalā*) as one of the main elements of developing jurisprudence. However, the research conducted on his uṣūlī views on this issue has various interpretations of which the purpose of this study is to criticize and analyze the presented interpretations and analyzes especially in the published works of the *Institute for Editing and Publishing the Works*

1. Azimi. A. ; (2024); “ Analyzing the Uṣūlī Published Works about Imām Khumaynī on Authenticity of the Custom of Rational Persons” ; *Jostar_ Hay Fiḡhi va Usuli*; Vol: 10; No: 34; Page: 7-35;
 10.22034/jrj.2024.66461.2659



of Imām Khumaynī (RA) in two pillars, the type of authenticity and the scope of authenticity. Researching this issue is aimed at providing a new explanation from Imām Khumaynī's point of view about the two areas mentioned in the Custom of Rational Persons, which is free from any hypertextual and selective interpretation and carried out with library search tools. Unlike other studies, each of which has chosen inherent authenticity or endorsed authenticity, the research of this study which is done by descriptive-analytical method shows that, firstly, in the issue of authentication, rational indications (*'imārāt 'uqalāī*) have inherent authenticity and non-realistic attitudes (*sīrah*) need endorsed authenticity (*hujjīyat al-imḍāī*). Secondly, the authenticity of the newly-emerged attitudes also has special conditions in his view, which are rarely fulfilled, and the absolute attribution of their authenticity to Imām Khumaynī (RA) is wrong.

Keywords: The Custom of Rational Persons, Authenticity of the Custom of Rational Persons, Published Works of the *Institute for Editing and Publishing the Works* of Imām Khumaynī (RA).

ارزیابی منشورات اصولی درباره دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در حجیت سیره عقلا^۱

امین عظیمی  ID

دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، و دانش آموخته کارشناسی مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه قم - ایران

سهراب مقدمی شهیدانی

مدرس حوزه علمیه قم، استاد و دانش آموخته دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم - ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴



چکیده

بی تردید امام خمینی رحمته الله علیه در استفاده از سیره عقلا به عنوان یکی از عناصر اصلی ترقی دهنده فقه، پیشرو بوده‌اند. با این وجود تحقیقات انجام شده پیرامون آرای اصولی ایشان در این مسئله، تفسیرهای گوناگون یافته است که نوشتار حاضر بر آن است تا تفسیر و تحلیل‌های ارائه شده، به ویژه در منشورات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، در دو رکن نوع حجیت بخشی و حیطة حجیت را مورد نقد و بررسی قرار دهد. کاوش در این مسئله باهدف ارائه تبیینی نو از دیدگاه ایشان درباره دو حوزه گفته شده در سیره عقلا است که مصون از هرگونه تفسیر فرامتنی و گزینشی است و با ابزار جستجوی کتابخانه‌ای پیش رفته است. بررسی‌های این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی بیانگر این است که اولاً: در مسئله حجیت یابی، امارات عقلایی حجیت ذاتی دارند و سیره‌های غیر واقع‌نما به حجیت امضایی نیازمندند؛ برخلاف دیگر تحقیقات که هرکدام حجیت ذاتی یا حجیت امضایی

ارزیابی منشورات
اصولی درباره دیدگاه
امام خمینی رحمته الله علیه در
حجیت سیره عقلا
۹

۱. عظیمی، امین. و مقدمی، سهراب (۱۴۰۳). «ارزیابی منشورات اصولی درباره دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در حجیت سیره عقلا». فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۱۰ (۳۴): ۷-۳۵

را برگزیده‌اند. ثانیاً: حجیت سیره‌های مستحدثه نیز شرایط ویژه‌ای در نگاه ایشان دارد که به ندرت تحقق پیدا می‌کند و انتساب مطلق حجیت آن‌ها به امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نادرست است. **کلیدواژه‌ها:** سیره عقلا، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، حجیت سیره عقلا، منشورات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.

مقدمه

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه از پیشتازان احیای عرف، بنا و سیره عقلا در بین اندیشمندان اسلامی محسوب می‌شوند و بسیاری از گره‌های اصولی و فقهی را با ارجاع به سلوک عقلا پاسخ می‌دهند. با نظر به اهمیت اندیشه فقهی و اصولی امام رحمته‌الله‌علیه در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی، ضرورت نقد و بررسی آثار تولیدشده در مسئله کلیدی سیره عقلا در دیدگاه امام رحمته‌الله‌علیه بیش از پیش روشن می‌شود تا علاوه بر تنقیح دقیق، دیدگاه ایشان در این زمینه از خطا و تحریف مصون بماند.

مضاف بر این، گسترش استفاده از عنصر سیره عقلا در آثار فقهی و اصولی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه تا آنجا پیش رفته است که بعضی از محققین می‌پندارند که ایشان رویکردی روشنفکرانه در دین داشته‌اند و فقه‌شان به فقه تماماً عرفی و عقلایی تمایل دارد. کسانی که تمایل فراوانی به جهانی‌سازی و تطابق فقه با قوانین غربی دارند تلاش می‌کنند که امام رحمته‌الله‌علیه را نیز در این رویکرد همراه نشان دهند.

از جمله مراکزی که به دنبال ارائه چنین چهره‌ای از ایشان بوده «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه» است. این مؤسسه با توسل به محققان و گویندگان خود رویکردی شبه روشنفکرانه و عرف‌مدار از امام رحمته‌الله‌علیه ارائه می‌دهد.

وجود چنین انگیزه‌هایی، ضرورت نقد و بازخوانی اندیشه امام رحمته‌الله‌علیه را در موضوع مهم سیره عقلا، مضاعف می‌کند و از این رهگذر، مشخص می‌شود که تفکر فقهی و اصولی پویای ایشان در این مسئله، همچنان که با فقه سنتی محض مرزبندی دارد، از فقه عرفی و غرب‌زده نیز فاصله پررنگی داشته است.

در راستای همین ضرورت‌ها، مسئله اصلی این نوشتار چنین است که با تکیه بر مبانی امام رحمته‌الله‌علیه در مبحث سیره عقلا به نقد مقالات، پایان‌نامه‌ها و گفته‌های نویسندگان و گویندگانی که در این موضوع تولیداتی داشتند بپردازد و خطاها و احیاناً

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۴

بهار ۱۴۰۳

۱۰

تحریف‌های رخ داده در آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. در این میان به علت پر حجم بودن تولیدات «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه» در این موضوع، توجه ویژه‌ای به آثار این مجموعه شده است و هشت مورد از آن‌ها در نوشتار حاضر مورد نقد واقع خواهد شد.

نقد نوشته‌ها و گفته‌های مورد نظر، در دو مسئله مندرج در سیره عقلا که عبارتند از نوع حجیت بخشی و حیطه زمانی حجیت سیره عقلا، انجام شده است. رفع اشکالات و فهم نقد آثار تولید شده، این مقاله را بر آن داشت که بازخوانی دقیقی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه و نوآوری‌های ایشان در سیره عقلا انجام دهد.

در این پژوهش بیشتر به آثار اصولی‌ای که خود امام رحمته‌الله علیه تحریر کرده‌اند توجه شده و از کتب فقهی به جهت طولانی شدن کلام، صرف نظر شده است و جای خالی این بررسی در نگاشته‌های فقهی ایشان بسیار حس می‌شود.

در ادامه، تحقیقات مهمی که از یک سو پیشینه پژوهش درباره دیدگاه امام رحمته‌الله علیه در مورد سیره عقلا هستند و از سوی دیگر برخی از آن‌ها مورد نقد مقاله حاضر قرار گرفته‌اند، نام برده می‌شود:

- ۱- «عرف از نگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه»، سید علی جبار گل‌باغی ماسوله؛
- ۲- «تمسک به دانسته‌های عرفی بشر در توسعه و فهم عناوین فقهی در مکتب فریقین با رویکردی به دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه»، علی بهرامی نژاد و سید مصطفی موسوی بجنوردی؛
- ۳- «حقیقت مجعول در امارات»، محمد استوار میمندی؛
- ۴- «عرف و بنای عقلا از نگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه»، سید عبدالواحد موسوی؛
- ۵- «بناء عقلا»، سید محمد اصغری؛
- ۶- «بنای عقلا»، سعید شریعتی فرانی؛
- ۷- «عرف و جایگاه آن در آثار اصولی و فقهی امام خمینی رحمته‌الله علیه و شهید صدر»، ساجده رسولی؛
- ۸- «جایگاه سیره عقلا در اندیشه و سیره امام خمینی رحمته‌الله علیه و الزامات آن در اداره جامعه»، حامد رنجبر؛
- ۹- «عرف از دیدگاه فقهی امام خمینی رحمته‌الله علیه و آیت‌الله مکارم شیرازی»، منیژه رجبی؛
- ۱۰- «بررسی شرط معاصرت سیره عقلا با عصر معصومان علیهم‌السلام»، محمد تقی فخلعی؛
- ۱۱- «تحلیل حجیت بنای عقلا با رویکردی در مسائل مستحدثه»، سید مجتبی حسین نژاد؛
- ۱۲- «عرف عقلا»، علیرضا فیض؛

۱۳- «جایگاه عرف در حقوق با رویکردی بر اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه»، فهیمه ملک‌زاده و مونا احمدلو؛ ۱۴- «ظرفیت‌های مبانی امام خمینی رحمته‌الله علیه درباره بنای عقلا برای فقه سیاسی»، هادی جلالی اصل؛ ۱۵- «فقه و عرف»، ابوالقاسم علیدوست. این نوشتار از چند جهت امتیازاتی نسبت به تحقیقات گفته‌شده دارد که موجب ارتقاء فهم دیدگاه امام رحمته‌الله علیه خواهد شد:

- ۱- تبیین متفاوت از رفع تهافت در کلمات امام خمینی رحمته‌الله علیه در مسئله ملاک حجیت سیره عقلا بر اساس امضای شرعی یا حجیت ذاتی.
- ۲- نگاه نو نسبت به دیدگاه امام رحمته‌الله علیه نسبت به حجیت سیره‌های مستحدثه.
- ۳- بررسی انتقادی نسبت به بعضی از نگاه‌ها پیرامون دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه درباره سیره عقلا.

۱. اصطلاح‌شناسی سیره عقلا

سیره در لغت معادل «طریقه» (جوهری، ۱۳۷۶، ق، ۶۹۱/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳/۳۴۰) و عقل به معنای محافظت‌کننده قول و فعل از قبیح (ابن فارس، ۱۴۰۴، ق، ۶۹/۴؛ عسکری، ۱۴۰۰، ق، ۷۵) دانسته شده است.

سیره عقلا هرچند در جوامع اصولی متقدم، کم کاربرد بوده اما با معادل‌هایی مثل «العاده» قابل‌ردیابی است. البته موارد آن‌ها بیشتر معادل فهم عرفی قرار گرفته اما گاهی نیز در سیره عقلا استعمال شده‌اند (سیدمرتضی، ۱۳۷۶، ۳۲۵ و ۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۷، ق، ۱۷۲/۱؛ موسوی، اسدی کوهباد و پنجه‌پور، ۱۳۹۸، ۵۳۹). بعضی معتقدند تمسک به بنای عقلا از وقتی پا گرفت که بعضی منابع مثل اجماع، اعتبار خود را از دست دادند و استفاده از این عنصر در بیانات علما بعد از شیخ انصاری مرسوم شده است (صدر، ۱۴۰۸، ق، ۹۶/۲-۹۳).

در این میان امام رحمته‌الله علیه با وجود استفاده و استعمال متعدد از سیره عقلا با تعابیر مختلف، تعریف مجزا و مستقلی از آن ارائه نداده‌اند اما در استدلال‌های اصولی خود که حاوی سیره عقلا است قیود و حدودی را برای آن مطرح کرده‌اند. از این رو، مضاف بر روش بررسی استعمالات، با بررسی مجموع این توصیف‌ها می‌توان تعریف

جستارهای
فقهی و اصولی
سال دهم، شماره پیاپی ۳۴
بهار ۱۴۰۳

۱۲

سیره عقلا در نگاه ایشان را استنباط کرد. ایشان در لابه‌لای این مباحث به قیود «سیره عملی» (امام خمینی، ۱۴۲۶ ق، ۶۴ و ۸۳ و ۱۲۲؛ امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳۵۸)، «سیره همگانی» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳۵۹؛ امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، ۴۰۶/۴)، «سیره همه‌زمانی و همه‌مکانی» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۲۶۵ و ۳۵۸ و ۳۶۲؛ امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، ۱۲۷/۳) و «سیره عقلایی» (امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، ۴۰۶/۴؛ امام خمینی، ۱۴۲۶ ق، ۱۳۷؛ امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۱۰۵/۱ و ۱۹۴) اشاره کرده‌اند. قید «مثبت حکم شرعی» را نیز باید به تعریف اضافه کرد؛ زیرا با بررسی استعمالات گفته‌شده مشخص می‌شود که سیره عقلای مدنظر ایشان سیره‌ای است که برای اثبات حکم شرعی به کار می‌رود و از این جهت با تعریف عرف که بیشتر برای تشخیص مفاهیم و مصادیق استفاده می‌شود تمایز پیدا می‌کند. پس بر اساس مواردی که امام رحمته‌الله‌علیه در کتب اصولی خود از آن‌ها به سیره عقلا تعبیر نموده و قیود و توصیفاتی از آن‌ها ارائه داده‌اند، تعریف سیره عقلا از دیدگاه ایشان چنین خواهد بود: «سیره عقلا سیره‌ای عملی است که تمامی عقلا از آن جهت که عاقل هستند، در همه زمان‌ها و مکان‌ها انجام می‌دهند و در راستای اثبات حکم شرعی قرار می‌گیرد.»

۲. حجیت بخشی سیره عقلا بر اساس تفصیل امام رحمته‌الله‌علیه

دو روش صناعی برای حجیت بخشی به سیره عقلا تصور می‌شود؛ سیره عقلا یا حجیت را از خود دارد (حجیت ذاتی) یا به‌وسیله عوامل بیرونی حجیت به آن اعطا شده است (حجیت غیر ذاتی).

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نیز به تبع دیگر اصولی‌ها به همین روال حجیت سیره عقلا را پیش برده‌اند. اما در این میان قائل به تفصیل مهمی هستند که نوع حجیت بخشی سیره‌ها به آن وابسته است. در دیدگاه امام رحمته‌الله‌علیه دو قسم سیره عقلا متصور است؛ سیره‌های واقع‌نما و سیره‌های غیر واقع‌نما.

بعضی از سیره‌های عقلایی ماهیت طریقیّت به واقع و واقع‌نمایی دارند؛ سیره‌هایی مثل اخذ به ظهورات کلام، رجوع جاهل به عالم و اعتبار خبر واحد موثق که برای کشف حقیقت (امام خمینی، ۱۳۹۲، مناهج‌الوصول، ۱/۳۱۶) در بین عقلا رواج یافته‌اند. این سیره‌های عقلایی را «امارات عقلایی» نیز می‌نامند.

بعضی از سیره‌های عقلایی برخلاف موارد پیشین، ماهیت واقع‌نمایی ندارند. این سیره‌ها مصالح و فواید دیگری را غیر از کشف واقع، دنبال می‌کنند. عقد بیع، وکالت، طلاق، قاعده سلطنت و... مصادیقی برای این سیره‌ها هستند که در ماهیت هیچ‌یک از آن‌ها واقع‌نمایی فرض نشده است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۲/۳۲۰: امام خمینی، ۱۴۱۰، ق، ۱/۵۹). سیره‌های معاملاتی برجسته‌ترین این سیره‌ها هستند که برای رفع نیازهای بشری استفاده می‌شوند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۳۱۵).

در بیانات امام رحمته‌الله‌علیه چنین تقسیمی در بین سیره‌های عقلا تصریح نشده است اما از تفاوت‌هایی که در نوع حجیت سیره‌های عقلا می‌گذارند و از ویژگی‌هایی که برای آن‌ها برمی‌شمارند، استنباط می‌شود که ایشان سیره عقلا را به دو نوع واقع‌نما و غیر واقع‌نما فرض کرده‌اند. این تقسیم بر اساس تحلیل‌هایی که در بخش‌های پیش‌رو وجود دارد روشن‌تر می‌شود و استنادات آن مطرح خواهد شد.

۲/۱. حجیت ذاتی سیره‌های عقلایی واقع‌نما

ذاتی بودن حجیت به این معنا است که سیره عقلا نیاز به استدلال و واسطه‌ای برای حجیت‌یابی ندارد و در حقیقت به جعل عارضی حجیت برای سیره عقلا نیازی نیست. بعضی از علما از جمله علامه طباطبایی به حجیت ذاتی سیره عقلا استدلال کرده‌اند (طباطبایی، بی‌تا، ۲/۲۰۶) و اما چون در حجیت مواردی که ماهیت واقع‌نمایی ندارند مثل براءت عقلایی، به امضای شرعی تمسک کرده‌اند، استنباط می‌شود که همچون امام رحمته‌الله‌علیه حجیت ذاتی سیره عقلا را مختص به امارات عقلایی فرض فرموده‌اند (طباطبایی، بی‌تا، ۲/۲۳۱).

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نیز به حجیت ذاتی سیره عقلا معتقدند و جعل حجیت برای آن را ناممکن می‌خوانند اما تأکید دارند حجیت ذاتی صرفاً برای سیره و طرق عقلایی کاشف از واقع و امارات نوعیه خلاصه می‌شود.

ایشان بر این باورند که امارات عقلایی و حجیت آن‌ها معجول شرعی نیستند و عقلا از شارع انتظار چنین جعلی ندارند. ایشان تأکید دارند که حجیت به معنای قائم‌مقام علم و طریقت و به معنای واسطه در اثبات برای امارات، جعل شرعی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۴

بهار ۱۴۰۳

۱۴

نشده‌اند. چراکه در ماهیت خود دارای طریقت و کاشفیت هستند و تأسیس و جعلی برای آن‌ها رخ نمی‌دهد. به تعبیر واضح‌تر، واقع‌نمایی چون از ذاتیات امارات است، تأسیس شرعی حجیت برای آن‌ها تحصیل حاصل خواهد بود. حجیت به معنای معذرت نیز چون امری انتزاعی و تبعی از احکام تکلیفی یا وضعی است، قابلیت جعل شرعی و عقلایی ندارد بلکه قابل احتجاج بودن و معذرت امارات از آثار [عقلی] طریقت آن‌ها است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۱۹۴، ۲۰۶/۱، ۹۶/۲). ایشان اضافه می‌کنند که در این میان تنها مؤلفه قابل جعل شرعی، و وجوب تکلیفی عمل به امارات است که غالباً در امارات تحقق ندارد و امکان ندارد شارع با وجود و فعلیت اماره عقلایی که حاکی از تکلیفی الهی است، اماره تعبدی متناقضی را در عرض آن صادر کند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۲۰۴ و ۲۰۶ و ۲۰۸).

ایشان به همین جهت عدم ردع شارع و ادله‌ای را که در منابع برای تأیید امارات نوعیه عقلاییه وارد شده‌اند، ارشادی قلمداد می‌کنند و جعل طریقت و حجیت را برای آن‌ها بی‌معنا و ناممکن می‌دانند. ایشان معتقدند تأیید شارع بر امارات عقلاییه حتمی است و شارع در طرق عقلاییه تصرف نمی‌کند و صرفاً آن‌ها را با روایات مورد تأیید قرار می‌دهد (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۱۰۲ و ۲۰۴). امام خمینی رحمته‌الله علیه به همین جهت، نظریه جعل حجیت و تتمیم کشف نائینی را رد می‌کنند و جعل حجیت شرعی برای امثال خبر ثقه، اصالة الید و اصالة الصّحّه را بی‌معنا می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۱۰۶-۱۰۵). ایشان تنها مؤلفه‌ای را که در این میان قابل جعل می‌دانند وجوب تعبدی عمل به امارات عقلایی است که از شارع می‌تواند صادر بشود. هرچند بر این باورند که آیات و روایاتی که در مسئله امارات عقلایی وارد شده است، مثل آیه نبأ، ارشاد به وجوب عقلایی هستند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۲۰۶-۲۰۴).

لازم به ذکر است ارشادی بودن اظهار نظر شارع نسبت به این سیره‌ها لغو نیست. امضای این سیره‌ها می‌تواند از مناقشات علمی که در اصل طریقت امارات ایجاد می‌شود گره‌گشایی کند و از سوی دیگر، ردع صریح آن‌ها تلنگری بر عقلایی نبودن سیره ادعایی است. نظیر آن در بحث «قیاس» دیده می‌شود که مورد ردع مؤکد شارع قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱/۵۷).

۲/۲. حجیت سیره‌های عقلایی غیر واقع‌نما با امضای شارع

امام رحمته‌الله‌علیه همچون بزرگان دیگر (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ۳۰۳؛ نائینی، ۱۳۷۶، ۱۹۲/۳ و ۲۱۴؛ انصاری، ۱۴۱۶ ق، ۱۶۴/۱-۱۶۳) به این روش بهای زیادی داده‌اند. از نگاه ایشان، سیره‌هایی که واقع‌نما نیستند، نیاز به تأیید شرعی جداگانه دارند. اگرچه معتقدند سیره‌های غیر واقع‌نما نیز از اختراعات عقلا است و مجعول شرعی نیستند اما امکان دارد شارع در آن‌ها تصرف کند (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۲۰۸/۱). در نتیجه، تأیید شرعی ملازم همیشگی آن‌ها نیست. سرّ این تفاوت در آن است که این سیره‌ها با واقع سروکار ندارند و مانند امارات عقلایی که مؤدایشان تکلیف شرعی را نمایان می‌کند نیستند و ماهیتی جز اعتبار ارتکازی یا سیره عملی عقلا ندارند؛ بنابراین حجیت به معنای طریقت برای آن‌ها موجود نیست و ماهیتی ندارند که عقل، حکم بر حجیت به معنای معذرت شرعی آن‌ها بکند و بدین جهت نیاز به تأیید شرعی بر اعتبار عقلی این سیره‌ها وجود دارد. ایشان در موارد مختلفی به این روش اشاره کرده‌اند و علاوه بر مواردی که به صورت کلی تأیید شارع را ملاک برای حجیت این سیره‌ها قرار داده‌اند (امام خمینی، ۱۴۲۶ ق، ۶۴؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ۲۱۱) در اصالة الصحة^۱ (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳۶۶)، قاعده قرعه (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳۹۹)، زوجیت (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۲۰۸/۱)، اسباب طلاق (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۳۲۰/۲) و شک در اجزای نماز (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳۴۱) به شکل اثباتی یا سلبی حجیت امضایی آن‌ها را ارزیابی کرده‌اند. این موارد همگی نشان می‌دهد چنین سیره‌های عقلایی که از امارات محسوب نمی‌شوند قابل تضییق یا توسعه‌یابی توسط شرع هستند و با بیان یا سکوت شارع حجیت برای آن‌ها ثابت می‌شود.

البته ایشان تأکید دارند که در سیره‌های معاملاتی صرف سکوت و عدم ردع شارع کفایت می‌کند و تأکید محقق نائینی بر اینکه معاملات بشری نیاز به تصریح در امضای شرعی برای حجیت دارند را نمی‌پذیرند (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۳۱۵/۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۳ ق، ۴۷۴/۲). در همین راستا، امضای شارع را به معنای رضایت او در نظر

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۴

بهار ۱۴۰۳

۱۶

۱. گفتنی است ماهیت اصالة الصحة در نوشته‌های امام رحمته‌الله‌علیه مردد بین واقع‌نمایی و غیر واقع‌نما است اما در نهایت، معتقدند که در غالب موارد این قاعده برای واقع‌نمایی نیست (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳۶۷-۳۶۱).

گرفته‌اند، نه به معنای اینکه شارع حکم مماثل یا مناسبتی با سیره عقلا وضع کرده است. در نتیجه به صرف کشف رضایت شارع، حجیت سیره عقلا تحقق پیدا می‌کند (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۱/۲۰۵-۲۰۴، ۲/۹۶ و ۳۱۵؛ امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۷۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۶ ق، ۶۳ و ۶۵).

سرانجام بررسی نکات مختلف امام رحمته‌الله‌علیه در حجیت بخشی سیره‌های عقلایی نشان می‌دهد که ایشان تمامی سیره‌های عقلایی را به یک شکل قضاوت نمی‌کنند. آن‌هایی که در طریق کشف واقع هستند و اماره عقلایی محسوب می‌شوند، حجیت ذاتی دارند؛ اما معاملات عقلایی و هرآنچه که اماره نوعیه و واقع‌نما نیست، نیاز به رضایت شارع دارند که با ادله نقلی یا عدم ردع او حاصل می‌شود^۱.

۲/۳. نقد دیگر پژوهش‌ها درباره نوع حجیت بخشی سیره عقلا

تعدادی از مقالات و تحقیقات مطرح در فضای علمی کشور از جمله منشورات (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه) که به پژوهش در آرای اصولی ایشان همت داشته‌اند تبیین نادرست و مبهمی از دیدگاه امام رحمته‌الله‌علیه در حجیت سیره‌های عقلایی ارائه داده‌اند و توجهی به تفصیل گفته‌شده در حجیت سیره‌های عقلا نداشته‌اند. برخی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه را معتقد به حجیت ذاتی سیره عقلا معرفی کرده‌اند (اصغری، ۱۳۸۴، ۲۰) اما چون متوجه بودند که تعابیر ایشان در مسئله حجیت سیره مختلف است، آن را در حد تمایل مطرح می‌کنند و توضیح نمی‌دهند که امام رحمته‌الله‌علیه چگونه بنای مشهور جعل حجیت و امضای شرعی را نقد می‌کنند و جعل شرعی برای آن را بی‌معنا می‌دانند. بعضی دیگر نیز چون تهافت کلام ایشان را می‌دیدند اما تفکیک گفته‌شده را متوجه نبودند حجیت ذاتی سیره عقلا را با عدم ثبوت ردع متناسب پنداشته‌اند (موسوی، ۱۳۹۶، ۱۰۸-۱۰۴).

کفه انتساب حجیت امضایی سیره عقلا به امام رحمته‌الله‌علیه در کتب و مقالات بیشتر از حجیت ذاتی نمود دارد و در بعضی از تحقیقات آن را تنها روش حجیت‌یابی

۱. ادله کشف رضایت شارع و نیاز به احراز و ثبوت عدم ردع جهت کشف رضایت در پایان‌نامه نگارنده با عنوان «بررسی تطبیقی تعریف و حجیت عرف و سیره عقلا در دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و کتاب الفائق» به تفصیل بررسی شده است.

سیره عقلا عنوان کرده‌اند (علیدوست، ۱۳۹۷، ۱۷۲؛ جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۸۰؛ جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۷۹، ۲۲۳؛ بهرامی نژاد و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ۵۰؛ حسین نژاد، ۱۳۹۶، ۴۳ و ۵۶؛ شریعتی فرانی، ۱۴۰۰، ۲/۶۵۴).

در حقیقت در هر دو گروه خطای عدم تفکیک سیره‌های واقع‌نما و غیر واقع‌نما منجر به مطلق‌پنداری در حجیت سیره عقلا شده است؛ گروهی با استناد به بخشی از بیانات امام رحمته‌الله‌علیه حجیت ذاتی را در پیش گرفته‌اند و بعضی امضای شارع را برای حجیت لازم دیدند.

۲/۴. بررسی تهافتی در کلام امام خمینی رحمته‌الله‌علیه

به نظر می‌رسد غیر از عدم احصای کامل بیانات ایشان، مهم‌ترین عاملی که باعث شده دیگر تحقیقات به این تفصیل در دیدگاه امام رحمته‌الله‌علیه دست پیدا نکنند، برخی از سخنان امام خمینی رحمته‌الله‌علیه است که گاهی مورد استناد قرار می‌گیرد. همین امر باعث شده است بعضی از محققین حجیت ذاتی سیره‌های عقلایی را در دیدگاه امام رحمته‌الله‌علیه نفی کنند (جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۸۰؛ جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۷۹، ۲۲۳؛ شریعتی فرانی، ۱۴۰۰، ۲/۶۵۴؛ جلالی اصل، ۱۳۹۹، ۱۶۳-۱۶۱) و بعضی دیگر با وجود اینکه عدم جعل حجیت برای سیره عقلا را به امام رحمته‌الله‌علیه نسبت می‌دهند اما امضای شرعی را نیز برای اعتبار لازم پنداشته‌اند (فیاضی، ۱۳۹۱، ۲۱۳؛ موسوی، ۱۳۹۶، ۱۰۸-۱۰۴).

یکی از متون مورد مناقشه در کتاب «الاجتهاد و التقليد» در مسئله حجیت رجوع جاهل به عالم است که همانند عمل به خبر ثقه، اصالة‌الید و اصالة‌الصحة به امضای شارع و معاصرت سیره با عصر معصوم علیه‌السلام منوط شده است (امام خمینی، ۱۴۲۶، ق، ۶۴).^۱ دومین متن در کتاب «انوار الهدایة» در مسئله حجیت قول لغوی، با فرض خبرویت لغویان، عدم ردع شارع را به دلیل متصل نبودن به عصر معصوم علیه‌السلام بی‌فایده می‌دانند. در این میان رجوع به خبر ثقه، اصالة‌الید و اصالة‌الصحة را به‌عنوان سیره‌های متصل به عصر معصوم علیه‌السلام مثال می‌زنند که عدم ردع شارع را به همراه

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۴
بهار ۱۴۰۳

۱۸

۱. تفصیل اشکال و استدلال‌های امام خمینی جهت حجیت سیره تقلید از مجتهد در قسمت سیره مستحذنه اشاره خواهد شد.

دارند. از سویی دیگر به گونه‌ای تعبیر کرده‌اند که مطلق بنائات عقلا برای حجیت نیازمند عدم ردع هستند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۲۵۱-۲۵۰).

سومین متن در همین کتاب مربوط به حجیت خبر واحد است که سیره بدون امضای شارع را بی حجیت فرض می‌کنند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۲۸۰-۲۷۹).

در پاسخ به این ناهمگونی در کتاب الاجتهاد و التقلید باید گفت: جمع بندی و پاسخ اصلی و مبنایی ایشان به اشکال رجوع به مجتهد در انتهای این بحث با عنوان «فتحصل من جمیع ذلک» وارد شده است. امام رحمته‌الله‌علیه در این قسمت به مبنای خود بازگشته و واقع‌نمایی تقلید از عالم یا مجتهد را اصل قرار می‌دهند و دیگر سخنی از نیاز به امضاء و عدم ردع شارع به میان نمی‌آورند. سپس اضافه می‌کنند که این اصل ارتكازی و احتمال خلاف آن کنار گذاشته می‌شود و در صورت تبه احتمالی پی به غیر واقع‌نمایی آن برده می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۶، ق، ۸۳-۸۲). این پاسخ نهایی از ایشان نشان می‌دهد که اشکال و جواب‌های قبلی و مثال‌هایی که به آن اشاره شده است بر اساس مبنای شرط بودن اتصال به عصر معصوم علیه‌السلام و امضای شارع در حجیت سیره‌ها است یا طبق مستحدثه فرض کردن این سیره به علت اجتهاد ظنی مجتهدین در عصر غیبت بیان شده است.

درواقع حضرت امام رحمته‌الله‌علیه در ابتدای امر بدون پیش داوری درباره مبنای اتخاذشده و بر مبنای نیاز تمامی سیره‌های عقلا به امضای شارع برای حجیت‌یابی، پاسخ به اشکالات را می‌دهند. اگرچه بر اساس تقریر کتاب «تهذیب‌الاصول» از درس‌های امام رحمته‌الله‌علیه امکان دارد چنین برداشت شود که ایشان مستحدثه بودن سیره رجوع به مجتهد را پذیرفته‌اند اما به تبع این برداشت واقع‌نمایی آن را نیز نمی‌پذیرند (امام خمینی، ۱۴۲۳، ق، ۳/۶۲۳۵-۶۲۰). در این صورت به مبنای اتخاذی ایشان در تفصیل ذکرشده بین سیره‌های واقع‌نما که حجیت ذاتی دارند و سیره‌های غیر واقع‌نما که به امضای شارع نیازمندند خدشه‌ای وارد نمی‌شود و تهافت گفته‌شده بدین صورت برطرف می‌گردد. در مسئله حجیت قول لغوی در کتاب انوار الهدایة نیز ایشان بر اساس مبنای مشهور مستدلین بر حجیت پاسخ فرمودند، همان‌طور که خبرویت اهل لغت را نیز بنا بر فرض می‌پذیرند. به‌ویژه باید توجه کرد که در همان کتاب، قبل و بعد همین مسئله،

ارزیابی منشورات
اصولی درباره دیدگاه
امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در
حجیت سیره عقلا

۱۹

بی‌نیازی سیره‌های واقع‌نما را تأکید و اصرار می‌کنند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۱۰۶-۱۰۵ و ۱۹۴ و ۲۰۴ و ۲۰۶، ۹۶/۲). از جمله، عمل به خبر ثقه، قول لغوی، اصالة الید و اصالة الصحة را مثال می‌زنند و به‌نظر می‌رسد تناقض‌گویی با مبنای اتخاذی در یک کتاب در دو مرحله، امر بعیدی است. به‌هر حال باید نگاه مبنایی، محکم و مصرانه ایشان را در بی‌نیازی سیره‌های واقع‌نما از حجیت بخشی شرعی، پذیرفت و به ایشان نسبت داد و دیگر موارد را با شواهد گفته‌شده پاسخ داد.

اشکال کلی به محققین مذکور این است که به کلامی در میان اشکال و پاسخ‌های مباحث علمی امام رحمته‌الله‌علیه استناد کرده‌اند، در حالی که در آنجا بحث بر اساس مفروضات عمومی است.

در موضوع حجیت خبر واحد نیز به بیانی از حضرت امام رحمته‌الله‌علیه استناد می‌شود که در آن ایشان در مقام پاسخ مبنایی به اشکالات نیستند و در صفحات بعدی به پاسخ اصلی خود اشاره می‌کنند و تأکید می‌کنند که ادله قرآنی و روایی، هیچ جعل حجیتی و جعل طریقتی برای خبر واحد ندارند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۳۱۱). همچنین در ادامه اضافه می‌کنند، حجیت ظواهر و خبر ثقه فقط وابسته به سیره عقلا است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۳۱۴).

گذشته از پاسخ‌های قبلی اگر بیانات امام رحمته‌الله‌علیه بر مبنای دیگر مبانی در نظر گرفته نشود، می‌توان چنین استنباط کرد که از دیدگاه ایشان هر چند شارع، حجیت را به امارات به جهت ذاتی بودن آن نمی‌دهد اما اگر حجیت را از آن‌ها نفی کند، در حقیقت ارشاد به عدم طریقت لازم آن‌ها کرده است. در نتیجه از لحاظ اثباتی و کشف حجیت یا عدم حجیت می‌تواند اثرگذار باشد و تنبه دهد؛ اما از لحاظ ثبوتی، تأثیری در طریقت امارات ندارد؛ بنابراین توضیح نیز این متون با دیدگاه پیش‌گفته ایشان در تعارض نبوده و سازگار است.

۳. حیطة زمانی حجیت سیره عقلا

سیره عقلا نقش تعیین‌کننده‌ای در فقه دارد اما آیا باید در عصر حضور معصومین علیهم‌السلام باشد تا امکان امضا فراهم آید یا به سیره‌های جدید اعصار گوناگون

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۴

بهار ۱۴۰۳

۲۰

امتداد پیدا می کند و سکوت شارع در آن‌ها نیز نشانه تأیید شرعی خواهد بود؟
 حیطه حجیت سیره‌های واقع‌نما به خاطر حجیت ذاتی‌شان محدودیتی در بر ندارد.
 در مقابل، حیطه حجیت سیره غیر واقع‌نما از لحاظ مکانی و زمانی به دو صورت
 قابل تقسیم است؛ اولین نوع آن سیره‌هایی است که در عصر معصومین علیهم‌السلام تحقق
 داشته‌اند، دومین نوع آن، سیره‌هایی است که پس از عصر معصوم علیهم‌السلام تحقق
 داشته‌اند و از آن‌ها به سیره‌های مستحدثه، تعبیر می‌شود.

۳/۱. سیره معاصر معصومین علیهم‌السلام

معاصرت سیره با عصر حضور معصومین علیهم‌السلام مقتضای امضای شارع را فراهم
 می‌آورد و عدم ردع و امضای شارع به وضوح حجیت شرعی آن را به ارمان
 می‌آورد. به همین جهت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه سیره‌هایی که معاصرت آن‌ها با عصر
 معصومین علیهم‌السلام قابل احراز نیست را از دایره حجیت خارج کرده‌اند؛ همانند رجوع به
 قول لغوی (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۱/۲۵۱-۲۵۰) و وکالت فقیه به مقلدش (امام خمینی، ۱۴۲۶
 ق، ۵۷). همچنین در قسمت‌های قبل به موارد متعددی از بیانات امام خمینی رحمته‌الله‌علیه
 اشاره شد که ایشان قیود همگانی، فرا زمانی و فرا مکانی را در تعریف سیره عقلا
 مفروض قرار داده‌اند که این قیودها، وجود معاصرت را نیز به همراه دارد و مؤید
 مطالب گفته شده است.

۳/۲. سیره مستحدثه

آیا سیره‌هایی که از سویی در عصر معصومین علیهم‌السلام رواج نداشته‌اند و از سوی
 دیگر، بین عقلا همه دوره‌ها و مکان‌ها هم مرسوم نبوده‌اند، می‌توانند به امضای
 شرعی و حجیت دست پیدا کنند؟ اگرچه سیره‌های مستحدثه به جهت همه گیر
 نبودن، در نگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه سیره عقلائی حقیقی نیستند اما مسئله در این است
 که آیا امکان دارد ملاک حجیت سیره‌های عقلائی در سیره‌های مستحدثه نیز تحقق
 پیدا کند؟ اگر چنین سیره‌هایی در طریق کشف واقع باشند، حجیت آن‌ها حتمی
 است. مسئله این است که در وجود چنین سیره‌های مستحدثه‌ای تردید وجود دارد

ارزیابی منشورات
 اصولی درباره دیدگاه
 امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در
 حجیت سیره عقلا

و متداول شدن شیوه‌ای جدید در بین عقلا برای واقع‌یابی دور از ذهن است. امام خمینی رحمته‌الله علیه نیز در نوشته‌های اصولی خود به چنین سیره‌ای اشاره نکرده‌اند. در نتیجه از موضوع بحث این نوشتار خارج می‌شود.

اما سیره‌های مستحدثه‌ای هستند که واقع‌نمایی ندارند و صرفاً روش عملی جدیدی هستند و نزد عقلا مرسوم شده‌اند. برای نمونه می‌توان به بیمه، بازاریابی، معاملات شرکت‌های هرمی، معامله با شخصیت‌های حقوقی، بورس، حق رأی، حق سقط جنین، تساوی حقوق زن و مرد، حقوق شهروندی، بسیاری از قوانین بین‌المللی و ... اشاره کرد. برخی از این سیره‌ها مانند تساوی حقوق زن و مرد یا تشریح میت مسلمان (امام خمینی، ۱۴۲۵ ق، ۴/۴۷۵) مورد ردع شارع قرار گرفته‌اند. بعضی دیگر از این سیره‌ها نیز ریشه در سیره‌های امضا شده دارند و مصداق یکی از آن‌ها محسوب می‌شوند البته این موارد، سیره مستحدثه مصطلح نیستند و حجیتشان منوط به حجیت سیره اصلی خواهد بود؛ مانند بیمه که در دیدگاه فقهی امام رحمته‌الله علیه عقد مستقل و جدیدی از باب التزام به جبران خسارت است (امام خمینی، ۱۴۲۵ ق، ۴/۴۴۹) یا خرید و فروش رادیو، تلویزیون و مانند آن‌ها که ملحق به احکام خرید و فروش کالاهایی می‌شوند که هم استفاده حلال و هم حرام دارند (امام خمینی، ۱۴۲۵ ق، ۴/۴۴۸).

شارع نسبت به اکثر سیره‌های مستحدثه سکوت اختیار کرده است که در نگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه به علت عدم اتصال آن‌ها به عصر معصوم علیه‌السلام و عدم امکان احراز امضای شارع حجیت نخواهند داشت اما ایشان ضمن بررسی یکی از اشکالات جواز تقلید از مجتهد، به روشی اشاره می‌کنند که اتصال موارد نادری از سیره‌های مستحدثه به عصر معصوم علیه‌السلام فراهم می‌شود. در این اشکال مطرح می‌شود که اجتهاد فقهای عصر غیبت مانند فقهای عصر ائمه علیهم‌السلام به یقین نسبت به احکام الهی ختم نمی‌شود و اجتهاد آن‌ها ظنی است. در نتیجه، سیره رجوع به مجتهد ظنی الاجتهاد متصل به عصر معصوم علیه‌السلام نمی‌شود و بر این اساس رجوع به چنین عالمی توسط شارع امضا نشده است (امام خمینی، ۱۴۲۶ ق، ۶۴). امام رحمته‌الله علیه در پاسخ اصلی به این اشکال معتقدند بفرض اگر این سیره مستحدثه باشد، رجوع به عالم ظنی الاجتهاد قابل پیش‌بینی بوده است. ایشان معتقدند، امام علیه‌السلام می‌دانستند و خبر داده بودند که عصری

پیش خواهد آمد و شیعیان نیاز به رجوع به کتب اصحاب و روایات آن‌ها خواهند داشت. به همین علت اصحاب را امر به کتابت روایات کرده بودند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵۲/۱). حضرات علیهم‌السلام می‌دانستند که در غیر این صورت جامعه شیعی به هرج و مرج و اضمحلال کشیده می‌شود. پس با وجود قابل پیش‌بینی بودن و حساس بودن مسئله، لازم است که ائمه علیهم‌السلام نسبت به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند و در نتیجه سکوت آن‌ها در برابر این سیره نشان از رضایت ایشان خواهد داشت.

باید توجه داشت که رجوع به عالم مجتهد در عصر معصومین علیهم‌السلام از ارتکازات ذهنی عقلا و از امارات بوده است که به‌خاطر حضور ائمه معصومین علیهم‌السلام و امکان دسترسی به امام علیه‌السلام هنوز به رفتاری خارجی تبدیل نشده بود و به محض آغاز عصر غیبت، شیعیان بر اساس همین ارتکاز ذهنی به علما و کتب روایی مراجعه می‌کردند (امام خمینی، ۱۴۲۶ ق، ۸۱). امام رحمته‌الله‌علیه به این حقیقت مهم اشاره دارند که واقع‌نمایی این سیره طبیعتاً مدت‌ها بعد از غیبت وجود داشته است تا به تدریج اختلافات علما در فتاوا ظاهر گشت و واقع‌نمایی کامل این سیره زیر سؤال رفت اما ضرورت وجود این سیره جهت عدم اضمحلال احکام اسلام و اتصال و ریشه‌دار بودن آن در عصر معصوم علیه‌السلام چنین اقتضا دارد که رضایت شارع را به همراه داشته باشد. در واقع این سیره از امارات عقلانی تبدیل به امارات شرعی می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۳ ق، ۶۲۵/۳).

باید خاطر نشان کرد که پیش‌بینی این سیره مستحدثه توسط امام علیه‌السلام و حتی دیگر اصحاب، به علم عادی بوده است و نیازی به علم غیب در اینجا نیست؛ چرا که امام علیه‌السلام مکلف به احکام ظاهری است و علم غیب تکلیفی را مترتب نمی‌کند. علاوه بر ظاهر کلمات امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، یکی از تقریرات موجود در اصول ایشان به این مطلب تصریح دارد (امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، ۶۲۶/۴).

گذشته از شرایط پیش‌گفته، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه سیره مستحدثه را مقید به هرج و مرج و نیاز شدید کرده‌اند. در نتیجه، هر سیره مستحدثه‌ای را به‌صرف ایجاب و نیاز عادی به آن، نمی‌توان مورد رضایت شارع تلقی کرد.

بر اساس این تبیین، ایشان در موارد نادر و همراه با شروط سخت‌گیرانه‌ای،

سیره‌های مستحده را دارای حجیت دانسته‌اند. در مجموع شرایطی که ایشان برای حجیت سیره‌های مستحده به واسطه ثبوت عدم ردع ارائه داده‌اند، چنین است:

۱- سیره‌ای که هرچند در عصر معصومین علیهم‌السلام تحقق عملی نداشته است اما به شکل ارتکاز باید در آن عصر حضور داشته باشد؛

۲- نیاز به چنین سیره‌ای به علم عادی قابل پیش‌بینی بوده است و نشانه و اخباری از آن در عصر معصومین علیهم‌السلام موجود باشد؛

۳- عدم تعیین تکلیف آن سیره، موجب هرج و مرج در جامعه شیعی و اضمحلال آن شود.

مسیر دیگری که به اثبات مدعای فوق کمک می‌کند، بازیابی فهرستی از مهم‌ترین سیره‌های عقلایی است که ایشان در کتاب اصولی خود نام‌برده و حجیتشان را ثابت دانسته‌اند. با نگاهی به این موارد مشخص می‌شود که سیره‌های مستحده، مورد توجه ایشان نبوده است و همه همتشان در بحث بنای عقلا در معرفی سیره‌های عقلایی همه‌گیر خلاصه می‌شود. مواردی از سیره‌های عقلایی که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه حجت می‌دانند و استنادات بعضی از آنها پیش‌تر ذکر شده بود، عبارتند از: اخذ به ظواهر کلام، اصول لفظیه (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۴۹)، اصالة الصحه، اصالة الید، رجوع جاهل به عالم (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۴۹)، جمع عقلایی بین دو دلیل متعارض غیر مستقر (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۳۴، ۱۸۸)، تطابق مراد استعمالی با مراد جدی متکلم (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۱/۲۴۹)، اجماع و شهرت بین همراهان رئیس که کاشف از رضایت اوست (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۱۷۵)، طلاق (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۵۷)، وکالت (امام خمینی، ۱۳۷۵، ۵۷)، قاعده سلطنت (امام خمینی، ۱۴۱۰، ق، ۱/۶۱)، قاعده عدم جواز تصرف در مال دیگری (امام خمینی، ۱۴۱۰، ق، ۱/۶۱) و فحص در ادله تکلیف هنگام شبهه (امام خمینی، ۱۴۱۵، ق، ۲/۴۱۲ و ۴۱۷).

۳/۳. نادرستی انتساب حجیت سیره مستحده به امام خمینی رحمته‌الله‌علیه

بررسی‌های زیادی در تحقیقات علمی و نشست‌های حوزوی و دانشگاهی پیرامون نگاه امام رحمته‌الله‌علیه نسبت سیره‌های مستحده انجام گرفته است که تعداد قابل توجهی از آنها اعتبار سیره‌های مستحده را به ایشان نسبت می‌دهند و بدون

در نظر گرفتن شروط پیش گفته، چنین وانمود کردند که امام خمینی رحمته الله علیه از علمایی هستند که به سیره‌های مستحدثه بهای زیادی می‌دادند درحالی که ایشان موارد نادری را حجیت بخشیده‌اند. با نگاهی دقیق به این نوشته‌ها و اظهارنظرها مشخص می‌شود که دو روش در چنین انتسابی پی گرفته شده است. در روش اول بر اساس چارچوب علمی عمل شده اما برداشتی نادرست از نگاه‌های ایشان رخ داده است. در روش دوم، خروج از اسلوب علمی اتفاق افتاده است و تفسیر به رأی‌هایی از آرای امام خمینی رحمته الله علیه شکل گرفته که منجر به تحریف دیدگاه ایشان شده است.

تکیه اصلی هر دو گروه بیشتر بر بیانی است که امام خمینی رحمته الله علیه در مسئله رجوع جاهل به مجتهد ظنی الاجتهاد داشته‌اند. در دسته اول، به‌عنوان نمونه، جواد فاضل لنکرانی هرچند خود حجیت سیره‌های مستحدثه را نمی‌پذیرد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ۲۶ فروردین ماه، جلسه ۶۶) اما معتقد است امام رحمته الله علیه حجیت سیره‌های مستحدثه را پذیرفته‌اند و دلیل آن را جامعیت دین فرض کرده‌اند البته تذکر می‌دهد که امام خمینی رحمته الله علیه حجیت را مقید به اخبار از این سیره در عصر معصومین علیهم السلام کرده‌اند اما بر این باور است که این قید در کلام ایشان موضوعیت ندارد و عملاً دیدگاه امام رحمته الله علیه را نسبت به حجیت سیره مستحدثه بدون شرط معرفی می‌کند و حتی اتصال به عصر معصوم علیهم السلام را نیز در نظر نمی‌گیرد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ۲۵ فروردین ماه، جلسه ۶۵). این در حالی است که:

اولاً: مدرکی بر اینکه امام رحمته الله علیه جامعیت دین را در این مسئله دخالت داده‌اند، ارائه نشده و ایشان به این مطلب در متن مذکور اشاره‌ای نداشته‌اند و در تقریرات دروس ایشان نیز به این مطلب اشاره نشده است. تکیه اصلی ایشان در این استدلال بر ضروری بودن رجوع به عالم و جلوگیری از هرج و مرج جامعه شیعی است. از سوی دیگر بعضی از تقریرات درس امام خمینی رحمته الله علیه تصریح دارند بر اینکه منظور از علم، علم به غیب نیست (امام خمینی، ۱۴۱۸ ق، ۴/۶۲۶) در نتیجه از جامعیت دین به جهت اعمال علم غیب نیز نمی‌توان استفاده کرد.

ثانیاً: موضوعیت ندادن به اخبار از وقایع، بی‌وجه به نظر می‌رسد؛ چراکه به این

ارزیابی منشورات
اصولی درباره دیدگاه
امام خمینی رحمته الله علیه در
حجیت سیره عقلا

۲۵

قید دو بار در متن ایشان اشاره شده است^۱ و موضوعیت نداشتن آن خلاف ظاهر است.

ثالثاً: اگر ایشان در این مسئله، مطلق سیره‌های مستحدثه را حجت دانسته‌اند، چرا قید اتصال به عصر معصومین علیهم‌السلام را در صدر بحثشان تصریح کرده‌اند؟ به علاوه اگر چنین شرطی در نگاه ایشان جاری نیست، چرا برای رد وکالت قاضی به مقلد و به‌ویژه رد حجیت قول لغوی به عدم اتصال به عصر معصوم علیهم‌السلام استدلال می‌کنند؟ (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ۱/۲۵۱-۲۵۰). به نظر می‌رسد امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به هیچ وجه از شرط اتصال به عصر معصوم علیهم‌السلام و دیگر شروط گفته‌شده دست نکشیده‌اند و مطالب ادعایی مضاف بر این که بدون مدرک است، موجب تناقض در آرای ایشان می‌شود. در این گروه بعضی نیز بدون توجه به قیود و شروط مطرح‌شده در کلمات امام رحمته‌الله‌علیه به گزاره‌های مبهم و غیرعلمی همچون «منزوی شدن فقه» تمسک کرده‌اند (بهرامی‌نژاد و موسوی بجنوردی، ۱۳۹۵، ۵۱) و در واقع مدعی‌اند که عدم حجیت سیره‌های مستحدثه باعث تعارض علم و دین می‌شود. بعضی از نویسندگان نیز بدون توجه به تعریف امام رحمته‌الله‌علیه از سیره عقلا، حجیت ذاتی امارات عقلایی را به سیره‌های مستحدثه تعمیم داده‌اند و همچنین، سیره‌های غیر واقع‌نما را ملحق به امارات کرده‌اند (موسوی، ۱۳۹۶، ۱۰۸-۱۰۵).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال دهم، شماره پیاپی ۳۴
بهار ۱۴۰۳
۲۶

بعضی از محققین از فرموده‌های ایشان چنین برداشت کرده‌اند که آگاهی ائمه علیهم‌السلام از اتفاقات عصر غیبت و اخبار آن‌ها از وقایع آخرالزمان نشان‌دهنده این است که معصومین علیهم‌السلام نسبت به وقایع غیبت واکنش داشته‌اند. پس هر سیره‌ای که رخ دهد و ردع نشود یعنی امضا شده است (فیض، ۱۳۸۴، ۱۴۵؛ مجموعه نویسندگان، ۱۳۷۴، ۲۴۶/۱۴ و ۱۷۴/۳). برخی از پژوهشگران نیز همین استدلال را به صورت اجمالی آورده و پذیرفته‌اند (رنجبر بافقی، ۱۳۸۹، ۱۵۰؛ فخلعی و ولی‌اللهی، ۱۳۸۹، ۹۸).

اما این سخنان و برداشت‌های مختلف پژوهشگران نسبت به اندیشه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه درست نیست؛ زیرا:

۱. تعبیر «أخبروا بذلك» و «علموا وأخبروا بوقوع الناس فيه» منظور است (امام خمینی، ۱۴۲۶، ۸۱).

اولاً: ظاهر بیان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین توسعه‌ای را نشان نمی‌دهد و سخنی از روایات وقایع آخرالزمان وجود ندارد و صرفاً به هرج و مرج جامعه شیعی در غیبت طولانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در صورت عدم رجوع به مجتهدین اشاره دارند؛

ثانیاً: علاوه بر ظاهر کلام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بنا بر بعضی از تقریرات درس ایشان علم مورد استفاده ائمه اطهار علیهم السلام در اینجا علم عادی بوده است و نه علم غیب؛

ثالثاً: محققان مذکور با به میان آوردن مسئله علم غیب، اتصال تمامی سیره‌ها به عصر معصوم علیه السلام را حل شده فرض می‌کنند در حالی که همان گونه که گفته شد ایشان صراحتاً حجیت رجوع به قول لغوی و وکالت قاضی به مقلد را نپذیرفته‌اند و این شاهد دیگری بر خطا بودن این برداشت است؛

رابعاً: شرط ارتکازی بودن این سیره‌ها که در بیانات امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن اشاره شده است با طرح مسئله علم غیب سازگار نیست؛ چرا که اگر حجیت سیره مستحدثه جهت اتصال به عصر معصوم علیه السلام به مرتکز بودن در آن عصر وابسته باشد نیازی به طرح مسئله علم غیب برای ایجاد این اتصال نخواهد بود.

اما گروه دوم معیارهای علمی را رعایت نکرده‌اند و مطالب غیرقابل اثباتی را به ایشان نسبت داده‌اند. برخی به جای ترجمه دقیق کلمات امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به ترجمه آزاد پرداخته‌اند و شروط مندرج در آن را نادیده گرفته و حجیت را به تمامی سیره‌های مستحدثه تعمیم داده‌اند و حجیت سیره‌های مستحدثه را به شکل مطلق به ایشان نسبت می‌دهند (فاضل میبدی، ۱۳۹۷، ۲۳ آبان‌ماه؛ ملک‌زاده و احمدلو، ۱۳۹۱، ۵۰).

به همین روش گوینده دیگری از مؤسسه تنظیم و نشر، نسبت‌های غیرعلمی و تحریف‌آمیزی به امام خمینی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده و می‌گوید:

«در بحث انوارالهدایه خودشان در حاشیه بر الکفایه، از این نکته استفاده می‌کنند که سیره عقلا امر اعتبار ذاتی دارد. اگر عقلا امروز در جهان می‌گویند حقوق بشر، این موضوع حجیت دارد و نیازی نیست ببینیم که آیا این مقوله در زمان پیامبر و ائمه بوده است یا خیر... یکی از بحث‌هایی که درباره آن چالش وجود دارد، کودک

۱. گوینده مذکور علاوه بر اشکال پیش گفته، به اشتباه، ارجاع به کتاب «انوارالهدایه»، جلد ۱، صفحه ۱۰۶ داده است که در واقع کتاب «الاجتهاد و التقليد»، صفحه ۸۱ صحیح است.

همسری است. ... ۱۳ سالگی و حتی ۱۵ سالگی نیز سن مناسبی برای ازدواج نیست. درحالی که ممکن است در گذشته چنین بوده باشد. امروز رشد دختر در این سنین اتفاق نمی افتد. عقلاً امروز سن رشد را تعیین کرده اند. از میان ۱۱۰ کشور، ۸۰ کشور گفته اند دختران باید از ۱۸ سالگی ازدواج کنند و قبل از آن سن اگر کسی زمینه و آمادگی ازدواج را دارد، باید ثابت شود وگرنه امروز ازدواج کردن یک دختر ۱۳ ساله ظلم است» (ایازی، ۱۳/۰۹/۱۴۰۰).

نویسندگان دیگری از مؤسسه تنظیم و نشر نیز چنین مضامینی را به ایشان نسبت داده اند (فاضل میبدی، ۱۹/۰۲/۱۳۹۱) که در نقد آن‌ها می توان گفت:

اولاً: برخلاف دیدگاه گوینده، امام رحمته الله علیه صرفاً حجیت ذاتی امارات عقلایی را در کتاب «انوارالهدایه» مطرح کرده اند و مسئله نکاح برای حجیت یابی نیاز به ورود شارع دارد که با ثبوت عدم ردع و اتصال به عصر معصوم علیه السلام به دست می آید.

ثانیاً: سیره های مستحدثه، سیره عقلایی مدنظر نیست و ذاتی بودن حجیت را که برای امارات عقلاییه ثابت است، نمی توان بر آن‌ها حمل کرد. به علاوه حقوق انسانی از مقوله امارات عقلایی نیستند تا حجیت ذاتی داشته باشند.

ثالثاً: روشن نیست گوینده به چه استناد و استدلالی بانیان اعلامیه حقوق بشر را عقلاً جهان می نامد درحالی که این اعلامیه بر اساس انگاره ها و مبانی اومانستی، مادی گرایانه و لیبرالی نگاشته شده است که مورد قبول بسیاری از اندیشمندان اسلامی نیست و هیئت حاکمه بیشتر کشورها بر اساس ملاحظات سیاسی به امضای آن اقدام کردند.

رابعاً: گذشته از اینکه اطلاق انگاری ظلم در ازدواج زیر ۱۸ سال جای تأمل دارد، این مسئله نه تنها عدم ردع شارع را دارا نیست بلکه به شکل ویژه جواز آن از سوی شارع ابلاغ شده است.

خامساً: متأسفانه گوینده علاوه بر استفاده مخدوش از مبانی امام رحمته الله علیه در حجیت سیره عقلاً، دیدگاه فقهی ایشان در این مسئله را که با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان است، کنار گذاشته است؛ ایشان علاوه بر فتوا به جواز ازدواج زیر ۱۸ سال (امام خمینی، ۱۳۹۲، تحریر الوسیله، ۲/۲۵۹)، به بررسی ابعاد عقلایی آن نیز پرداخته اند؛ ایشان در

کتاب «کشف اسرار» به چنین قوانین فسادزایی تاخته و آن‌ها را دارای اعتبار قانونی ندانسته‌اند. امام رحمته‌الله علیه در این رابطه می‌فرمایند: «یک نفر جوان را در موقع غرور شهوت برخلاف سنت طبیعت که از سنن بزرگ الهی است برای تعیین بلوغ سه سال از ازدواج مشروع محروم کنند، جز کمک کاری به شیوع فحشا و فساد اخلاق توان بر آن نامی گذاشت؟ بلوغ شرعی مطابق بلوغ طبیعی است که سنت تغییرناپذیر است و حکم برخلاف آن راه انداختن فحشا و خلاف عفت و کمک کاری به امراض گوناگون تناسلی است که نسل پاک جوانان ما را برمی‌اندازد.» (امام خمینی، ۱۳۶۳ ق، ۲۹۴).

البته این بدین معنا نیست که تعیین قانونی سن ازدواج در دولت اسلامی و تحت اشراف ولی فقیه، مشروع نیست اما ارجاع به قوانین به‌ظاهر بین‌المللی و عقلایی پنداشتن آن‌ها که بدون توجه به بلوغ طبیعی و شرعی و فسادهای مترتب بر آن هست، اعتبار علمی ندارد و نمی‌توان آن‌ها را به امام رحمته‌الله علیه نسبت داد.

نتیجه‌گیری

سیره عقلا در دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه بر سیره‌های همگانی، همه‌زمانی و همه‌مکانی اطلاق می‌شود که مصالح عقلایی در آن مدنظر قرار گرفته شده و در راستای اثبات حکم شرعی است. در نتیجه دیگر سیره‌ها از جمله سیره‌های مستحدثه بدون قرینه به‌عنوان سیره عقلا استعمال نمی‌شود.

سیره عقلا در نگاه امام رحمته‌الله علیه به سیره‌های واقع‌نما و غیر واقع‌نما تقسیم می‌شوند. سیره‌های واقع‌نما به جهت امارتشان به واقع و کشف تکلیف الهی، حجیت ذاتی دارند و تأیید شارع ملازمشان بوده و امری ارشادی است. سیره‌های غیر واقع‌نما هرچند خود معمول شرعی نیستند اما برای کسب معذرت شرعی نیاز به تأیید شارع دارند و شارع گاهی در آن‌ها تصرف می‌کند. از این رو برخلاف نظر برخی از محققین، ایشان نه حجیت ذاتی و نه امضایی سیره عقلا را به‌صورت مطلق پذیرفته‌اند. بر اساس این تبیین، تهافت ظاهری بیان ایشان در نگاه‌هایشان رفع می‌شود.

امام رحمته‌الله علیه حجیت سیره‌های مستحدثه را با شروط سخت‌گیرانه‌ای پذیرفته‌اند؛

ارتكازى بودن آن در عصر ائمه عليه السلام، إخبار ائمه عليه السلام به علم عادى از تحقق آن‌ها، وقوع هرج و مرج در صورت عدم تعيين تكليف نسبت به آن‌ها. براين اساس تلاش محققين نامبرده و مراكزى همچون «مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى رحمه الله عليه» در انتساب حجيت مطلق سيره‌هاى مستحدثه به ايشان دور از واقعيت است.

در اين ميان برخى افراد كه بيشتر گفته‌هايشان در مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى رحمه الله عليه منتشر مى‌شود از يك طرف تلاش دارند تعريف سيره عقلا از نظر امام رحمه الله عليه را از عقلای جهان شمول، به عقلای عصر حاضر، عرف و عادت‌هاى جديد دوران مدرنيته تغيير دهند و از طرف ديگر سعى مى‌كنند حجيت شرعى آن‌ها را با علم غيب معصومين عليه السلام به دست آورند و به امام خمينى رحمه الله عليه نسبت دهند. اين تلاش‌ها در واقع مصادره نگاه مترقيانه ايشان به مسئله سيره عقلا است؛ نظريه امام رحمه الله عليه به وسيله ابزار مهمى چون سيره عقلا، فقه را با ضوابط فقه جواهرى به فقه پويا و پاسخگو به مسائل حكومتى و اجتماعى تبديل مى‌كند اما با چنين تفسيرى، نظريه ايشان تبديل به ماشين امضايى براى همه توصيه‌ها، قوانين، عادت‌ها، سبك زندگى‌ها، باورهاى به‌ظاهر بين‌المللى و مدرن و در واقع ديكته شده و امتداد يافته از آموزه‌هاى غربى مى‌شود.

جستارهاى
فقهى و اصولى

سال دهم، شماره پيايى ۳۴
بهار ۱۴۰۳

۳۰

منابع

۱. آخوند خراسانى، محمد كاظم. (۱۴۰۹ ق). كفاية الأصول. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاييس اللغة. قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
۳. اصغرى، سيد محمد (۱۳۸۴). «بناء عقلا». فصلنامه دانشكده حقوق و علوم سياسى، ۷۰ (۰)، ۱-۴۰.
۴. امام خمينى رحمه الله عليه، سيد روح الله. (۱۴۲۵ ق). تحرير الوسيلة. ترجمه: على اسلامى، چاپ بيست و يكم، قم: انتشارات اسلامى.
۵. امام خمينى رحمه الله عليه، سيد روح الله. (۱۳۶۳ ق). كشف اسرار. بي‌جا: چاپخانه اسلاميه.
۶. امام خمينى رحمه الله عليه، سيد روح الله. (۱۳۷۵). التعادل و التراجيح. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى رحمه الله عليه.
۷. امام خمينى رحمه الله عليه، سيد روح الله. (۱۳۷۸). الرسائل العشرة. قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار

امام خمینی رحمته الله عليه.

۸. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۳۸۱). الاستصحاب. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی رحمته الله عليه.

۹. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی رحمته الله عليه.

۱۰. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۳۹۲). مناهج الوصول إلى علم الأصول. چاپ چهارم،

تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله عليه.

۱۱. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۴۱۰ ق). الرسائل. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۱۲. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۴۱۵ ق). انوار الهدایة. چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم

و نشر آثار امام خمینی رحمته الله عليه.

۱۳. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۴۲۳ ق). تهذیب الأصول. تقریر: جعفر سبحانی،

تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله عليه.

۱۴. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۴۲۶ ق). الاجتهاد و التقليد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی رحمته الله عليه.

۱۵. امام خمینی رحمته الله عليه، سیدروح الله. (۱۴۱۸ ق). تنقیح الأصول. تقریر: حسین تقوی اشتیاردی،

تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله عليه.

۱۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ ق). فرائد الأصول. چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم.

۱۷. ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۴۰۰). پرتال امام خمینی رحمته الله عليه، ۱۳/۰۹/۱۴۰۰، لینک کوتاه:

<http://B2n.ir/p91149>

۱۸. بهرامی نژاد، علی، و موسوی بجنوردی، سیدمصطفی (۱۳۹۵). «تمسک به دانسته‌های

عرفی بشر در توسعه و فهم عناوین فقهی در مکتب فرقین یا رویکردی به دیدگاه امام

خمینی رحمته الله عليه». مجله پژوهشنامه متین، ۱۸(۷۳)، ۵۹-۳۶.

۱۹. جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی (۱۳۷۹). «عرف از نگاه امام خمینی رحمته الله عليه». نشریه فقه،

(۲۵-۲۶)، ۲۴۴-۲۱۵.

۲۰. جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی (۱۳۸۰). «عرف از نگاه امام خمینی رحمته الله عليه». مجله حضور،

(۳۵)، بی‌صص.

۲۱. جلالی، هادی (۱۳۹۹). «ظرفیت‌های مبانی امام خمینی رحمته الله عليه درباره بنای عقلا برای فقه

سیاسی». مجله فقه و سیاست، (۱)، ۱۷۹-۱۵۱.

ارزیابی منشورات
اصولی درباره دیدگاه
امام خمینی رحمته الله عليه در
حجیت سیره عقلا

۳۱

۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ ق). **الصحاح**. تصحیح: عطار احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۳. حسین نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۶). تحلیل حجیت بنای عقلا با رویکردی در مسائل مستحدثه. **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، ۱۳(۴۸)، ۶۲-۳۷.
۲۴. رنجبر بافقی، حامد (۱۳۸۹). جایگاه سیره عقلا در اندیشه و سیره امام خمینی رحمته الله علیه و الزامات آن در اداره جامعه. **پایان‌نامه پژوهشکده امام خمینی رحمته الله علیه و انقلاب اسلامی**.
۲۵. سیدمرتضی، (علم‌الهدی). (۱۳۷۶). **الذریعة إلى أصول الشریعة**. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۶. شریعتی فرانی، سعید (۱۴۰۰). بنای عقلا. **همایش دانشنامه امام خمینی**، به کوشش سیدضیاء مرتضوی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، (۲)، ۶۵۹-۶۵۳.
۲۷. صدر، محمدباقر. (۱۴۰۸ ق). **مباحث‌الأصول**. تقریر: سیدکاظم حسینی حائری، قم: مطبعة مرکز النشر- مکتب الإعلام الإسلامی.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (بی‌تا). **حاشیة الکفایة**. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۹. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). **مجمع البحرین**. به تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۳۰. طوسی، محمد. (۱۴۱۷ ق). **العدة فی أصول الفقه**. قم: محمدتقی علاقبندیان.
۳۱. عسکری، حسن. (۱۴۰۰ ق). **الفروق فی اللغة**. بیروت: دارالافتاء الجدیدة.
۳۲. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). **فقه و عرف**. چاپ ششم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۸۶). **خارج فقه. تارنمای آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی**، ۲۵ و ۱۳۸۶/۰۱/۲۶، لینک: <http://fazellankarani.com/persian/> و <http://fazellankarani.com/persian/lessons/513> و <http://fazellankarani.com/persian/lessons/512>
۳۴. فاضل میبدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). **پرتال امام خمینی رحمته الله علیه**. ۱۳۹۱/۰۲/۱۹، لینک کوتاه: <http://B2n.ir/f49484>
۳۵. فاضل میبدی، محمدتقی. (۱۳۹۷). **تعامل فقها با بناهای عقلا در جهان امروز. تارنمای شبکه اجتهاد**، ۱۳۹۷/۰۸/۲۳، لینک: <http://ijtihadnet.ir>
۳۶. فخلعی، محمدتقی، و ولی‌اللهی، مجتبی (۱۳۸۹). «بررسی شرط معاصرت سیره عقلا با عصر معصومان». **مطالعات اسلامی (فقه و اصول)**، (۸۵)، ۱۰۴-۸۵.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال دهم، شماره پیاپی ۳۴
بهار ۱۴۰۳

۳۲

۳۷. فیاضی، مسعود (۱۳۹۱). ماهیت احکام امضایی (از رهگذر بررسی تطبیقی آرای مرحوم محقق اصفهانی و امام خمینی رحمتهما علیهما). فصلنامه حقوق اسلامی، (۳۴)، ۲۱۸-۱۹۳.
۳۸. فیض، علیرضا (۱۳۸۴). عرف عقلا. فلسفه تحلیلی، (۱)۲، ۱۵۵-۱۲۷.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی. به تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۰. مجموعه نویسندگان. (۱۳۷۴) مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی «نقش زمان و مکان در اجتهاد». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمتهما علیهما.
۴۱. ملک‌زاده، فهیمه، و احمدلو، مونا (۱۳۹۱). «جایگاه عرف در حقوق با رویکردی بر اندیشه‌های امام خمینی رحمتهما علیهما». پژوهشنامه متین، (۵۶)۱۴، ۱۶۳-۱۳۹.
۴۲. موسوی، سید عبدالواحد (۱۳۹۶). عرف و بنای عقلا در مکتب فقهی امام خمینی رحمتهما علیهما. پژوهشنامه متین، (۷۷)۱۹، ۱۱۰-۹۳.
۴۳. موسوی، سیده فاطمه، اسدی کوهیاد، هرمز، و پنجه‌پور، جواد (۱۳۹۸). سیر تطور و تحول بنای عقلا نزد اصولی‌های شیعه. پژوهش‌های فقهی، (۳)۱۵، ۵۵۲-۵۳۵.
۴۴. نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۶). فواید الأصول. به تقریر محمدعلی کاظمی خراسانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ارزیابی منشورات
اصولی درباره دیدگاه
امام خمینی رحمتهما علیهما در
حجیت سیره عقلا

۳۳

References

1. Ibn Fārīs, Aḥmad Ibn Fārīs. 1983/1404. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*. Edited by 'Abd al-salam Muḥammad Harūn. Qom: Markaz Nashr Maktab al-'Ilām al-Islāmī.
2. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2002/1423. *Al-Taḥdhīb al-Uṣūl*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
3. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2005/1426. *al-Ijtihād wa al-Taqlīd*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
4. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2002/1423. *Kashf al-Asrār*. Chāpkhānih-yi Islāmīyah.
5. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1996/1375. *Al-Ta'ādul wa al-Tarājīḥ*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
6. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1999/1378. *Al-Rasā'il al-'Ushrah* Qom: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
7. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2002/1381.

- Al-Is'īshāb*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
8. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Şayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2013/1392. *Tahrīr al-Wasīlah*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
 9. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Şayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2013/1392. *Manāhij al-Wuṣūl 'Ilā 'Ilm al-Uṣūl*. 4th. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
 10. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Şayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1989/1410. *al-Rasā'il*. Qom: Mu'asissih-yi Maṭbū'ātī-yi Ismā'īlīyān.
 11. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Şayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1994/1415. *Anwār al-Hidāya fī l-Ta'līqā 'alā al-Kifāya*. 2nd. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
 12. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Şayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1999/1418. *Tanqīḥ al-Uṣūl*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
 13. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Şayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2004/1425. *Tahrīr al-Wasīlah*. Translated by 'Alī Islāmī. 24th. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
 14. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1995/1416. *Farā'id al-Uṣūl*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
 15. al-Kurāsānī, Muḥammad Kāzīm (al-Ākhund al-Khurāsānī). 1988/1409. *Kifāyat al-Uṣūl*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
 16. al-Jawharī, Ismā'il Ibn Ḥammād. 1956/1376. *al-Şiḥah: Tāj al-Lughat wa Şiḥah al-'Arabīyyah*. 1st. Edited by Aḥmad 'Abd al-Ghafūr 'Aṭār. Beirut: Dār al-'Ilm li al-Malāyīn.
 17. al-Şadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1987/1408. *Mabāḥith al-Uṣūl*. Taqrīr (written by) Kāzīm al-Ḥusaynī al-Ḥā'irī. Qom: Maktabat al-'Ilm al-Islāmī.
 18. al-Ṭabāṭabā'ī, al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-'Allāma al-Ṭabāṭabā'ī). n.d. *Ḥāshīyat al-Kifāya*. Qom: Bunyād-i 'Ilmī wa Fikrī-yi 'Allama Ṭabāṭabā'ī.
 19. al-Turayḥī, Fakhr al-Dīn. 1995/1375. *Majma' al-Baḥrayn*. 3rd. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyya li Iḥyā' al-Āthār al-Ja'farīyya.
 20. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1996/1417. *al-Uddat fī al-Uṣūl al-Fiqh*. Qom: Muḥammad Taqī 'Alāqībāndīyān.
 21. Al-'Askarī, Ḥasan ibn 'Abdullāh. n.d. *al-Furūq fī al-Lughah*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīdah.
 22. 'Alam al-Hudā, 'Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Sarīf al-Murtaḍā). 1984/1363. *al-Dharī'a ilā Uṣūl al-Sharī'a*. Tehran: Dānishgāh-i Tīhrān (Tehran University).
 23. 'Alīdūst, Abulqāsim. 2018/1397. *Fiqh wa 'Urf*. 6th. Tehran: Sāzīmān-i Intishārāt-i Pazhūhishgāh-i Farhang wa Andīshih-yi Islāmī.
 24. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *Uṣūl al-Kāfī*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. 4th. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

25. A Group of Authors. 1995/1374. *Majmū'ih-yi Āthār-i Kungirih-yi Barrasī-yi Mabānī-yi Fiqhī-yi Ḥadrat-i Imām Khumaynī 'Naqsh-i Zamān wa Makān dar Ijtihād*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
26. Al-Gharawī al-Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn (Mīrzā Nā'inī, Kumpānī). 1997/1376. *Fawā'id al-Uṣūl*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
27. Aṣgharī, Sayyid Muḥammad. 2005/1384. *Banā' 'Uqalā*. Faṣḥnāmih-yi Dānishkadīh-yi Ḥuqūq wa 'Ulūm-i Sīyāsī, 70, 1-40.
28. Bahrāmī Nizhād, 'Alī. 2016/1395. *Tamassuk bih Dānīstūhā-yi 'Urfī-yi Bashār dar Tawṣī'ih wa Fahm-i 'Anāwīn-i Fiqhī dar Maktab-i Barīgayn bā Rūykardī bih Dīdgāh-i Imām Khumaynī*. Majalīh-yi Pazhūhishnāmih-yi Matīn, 73, 36-59.
29. Jabbār Gulbāghī Māsūlīh, Sayyid 'Alī. 2000/1379. *'Urf az Nīgāh-i Imām Khumaynī*. Nashrīyah-yi Fiqh, 25, 26, 215-244.
30. Jabbār Gulbāghī Māsūlīh, Sayyid 'Alī. 2001/1380. *'Urf az Nīgāh-i Imām Khumaynī*. Majalīh-yi Ḥudūr, 35.
31. Jalālī, Hādī. 2020/1399. *Ẓarfīyat-hāyi Mabānī-yi Imām Khumaynī dar Bārih-yi Banā-yi 'Uqalā Barāyi Fiqh-i Sīyāsī*. Majalīh-yi Fiqh wa Sīyāsāt, 1, 152-179.
32. Ḥusayn Nizhād, Sayyid Mujtaba. 2017/1396. *Tahlīl-i Ḥujjīyat-i Banā-yi 'Uqalā bā Rūykardī dar Masā'il-i Muṣtaḥdithīh*. Faṣḥnāmih-yi Pazhūhishā-yi Fiqh wa Ḥuqūd-i Islāmī. 48, 37-62.
33. Ranjbar Bāfqī, Ḥāmid. 2010/1389. *Jāyigāh-i Sīrih-yi 'Uqalā dar Andīshīh wa Sīrih-yi Imām Khumaynī wa Ilzāmāt Ān dar Idārih-yi Jāmi'ih*. Pāyān Nāmīh Pazhūhishkadīh-yi Imām Khumaynī wa Inqilāb Islāmī.
34. Sharī'atī Farāhānī, Sa'īd. 2021/1400. *Banā-yi 'Uqalā. Dānishnāmih-yi Imām Khumaynī*. Tehran: Mu'asissih-yi Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī, Volume 2. 1st. pp. 653-659.
35. Fakhla'ī, Muḥammad Taqī. 2010/1389. *Barrasī-yi Sharḥ-i Mu'āṣirat-i Sīrih-yi 'Uqalā bā 'Aṣr-i Ma'ṣūmān*. Muṭālī'āt-i Islāmī Fiqh wa Uṣūl. 85, 85-104.
36. Fayyāḍī, Mas'ūd. 2012/1391. *Māhīyat-i Ahkām-i Imḍāyī az Rahguzar-i Barrasī-yi Taḥbīqī-yi Ārā-yi Marḥūm Muḥaqiq-i Isfahanī wa Imām Khumaynī*. Faṣḥnāmih-yi Ḥuqūq-i Islāmī, 34, 193-218.
37. Fayḍ, 'Alīriḍā. 2005/1384. *'Urf-i 'Uqalā*. Falsafīh-yi Tahlīlī. 1, 127-155.
38. Malik Zādīh, Fahīmīh. 2012/1391. *Jāyigāh-i 'Urf dar Ḥuqūq bā Rūykardī bar Andīshīh-hāyi Imām Khumaynī*. Pazhūhishnāmih-yi Matīn, 56, 139-163.
39. Mūsawī, Sayyid 'Abd al-Wāḥid. 2017/1396. *'Urf wa Banā-yi 'Uqalā dar Maktab-i Fiqhī-yi Imām Khumaynī*. Pazhūhishnāmih-yi Matīn, 77, 93-110.
40. Mūsawī, Sayyidah Fāṭimah. *Sayr-i Taṭawur wa Taḥawwul-i Banā-yi 'Uqalā Nazd-i Uṣūlī-hāyi Shī'ah*. Pazhūhish-hāyi Fiqhī, 3, 535-552.
41. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n155518/>

